

گزینه‌های راهبردی رژیم صهیونیستی در قبال سوریه پس از سقوط اسد

# بازی ترکیبی صهیونیست‌ها



**سلمان مالکی**: واکنش‌ها در منظومه سیاسی رژیم صهیونیستی نسبت به سقوط حزب بعث و رئیس آن بشار اسد در سوریه متفاوت بود و برخی از این واکنش‌ها شامل درخواست‌هایی برای اشغال دوباره برخی مناطق سوریه به بهانه تأمین امنیت بلندی‌های جولان اشغالی بود.

در همین راستا، عمیحا شیکلی، وزیر امور یهودیان مهاجر اسرائیل خواستار اشغال مجدد قله منطقه جبل الشیخ در سوریه شد. از سوی دیگر، یوآو کیش، وزیر آموزش‌وپرورش اسرائیل درخواست کرد شهادت بنیامین نتانیاهو که قرار است سه‌شنبه آینده در دادگاه فساد ارائه شود، به تعویق بیفتد. شیکلی در پلتفرم ایکس (توییتر سابق) نوشت: «تحولات در سوریه به هیچ‌وجه دلیلی برای جشن گرفتن نیست، با وجود تغییر نام گروه هیات تحریر الشمام و رهبر آن احمد شرع، حقیقت این است که اکنون بیشتر مناطق سوریه تحت کنترل گروه‌های وابسته به القاعده و داعش قرار دارد.» وی در ادامه گفت: «خبر خوب این است که قدرت کردها افزایش یافته و کنترل آنها در شمال شرقی سوریه (منطقه دیرالزور) گسترش یافته است.» شیکلی افزود: «از لحاظ عملی، اسرائیل باید کنترل خود را بر قله جبل‌الشیخ بازگرداند و یک خط دفاعی جدید بر اساس خط آتش پس سال ۱۹۷۴ ایجاد کند. ما نباید اجازه دهیم گروه‌های جهادی

در نزدیکی شهرک‌های اسرائیلی مستقر شوند.» از سوی دیگر، یوآو کیش، وزیر آموزش‌وپرورش اسرائیل، در پلتفرم ایکس (توییتر سابق) نوشت: «با توجه به تغییرات استراتژیک که پس از سقوط نظام اسد در منطقه ما رخ داده است و همچنین وضعیت عدم اطمینان و چالش‌های فراوانی که نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو و اسرائیل با آن مواجه هستند، از قضاوت دفتر دادستانی می‌خواهم درخواست تعویق جلسه محاکمه نخست‌وزیر را به مدت ۳ ماه بررسی کنند.» وی همچنین افزود: «صرا بر برگزاری جلسه دادرسی در این دوره از زمان، با توجه به تغییرات بنیادین در منطقه، یک اشتباه خواهد بود.» از سوی دیگر، اسحاق کرویزر، عضو کنست از حزب «عوتسما یهودیت» (قدرت یهودی) نیز در پلتفرم ایکس نوشت: «خورشید بر باغ تاک من که در مجاورت مرز سوریه قرار دارد، طلوع می‌کند و بر پیوند عمیق ما با سرزمین اسرائیل تأکید می‌ورزد.» وی در ادامه، سقوط اسد در سوریه را به عنوان نویدبخش یک عصر جدید در منطقه توصیف کرد و افزود: «ما اینجا هستیم با بمانیم، بسازیم، بکاریم و شکوفا شویم. جولان برای همیشه متعلق به ماست.»

از سوی دیگر، یائیر لاپید، رهبر مخالفان اسرائیل خواستار ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای برای مقابله با چالش‌های احتمالی ناشی از سقوط



ج – هزبنه‌های لجستیکی و نظامی: حفظ حضور نظامی در جبل‌الشیخ به منابع نظامی و مالی قابل توجهی نیاز دارد.

**۲ – ایجاد ائتلاف منطقه‌ای با کشورهای عربی با هدف ایجاد یک ائتلاف ژئوپلیتیکی برای مقابله با ظهور گروه‌های جهادی و نفوذ ایران**

یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون دولت اسرائیل خواستار ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای با عربستان سعودی و کشورهای امضاکننده توافقنامه آبراهام شده است. این ائتلاف می‌تواند برای مقابله با بی‌ثباتی‌های احتمالی ناشی از سقوط نظام اسد مفید باشد. این ائتلاف می‌تواند شامل عربستان سعودی، امارات، بحرین و احتمالاً مصر باشد. منطق این گزینه این است که فروپاشی قدرت در سوریه می‌تواند منجر به ظهور مجدد گروه‌های جهادی شود که به ثبات منطقه‌ای آسیب می‌رسانند. علاوه بر این، لاپید اشاره کرد محور ایران در منطقه بشدت تضعیف شده است و این وضعیت می‌تواند فرصتی برای اسرائیل باشد تا از طریق این ائتلاف، تسلط بر منطقه را افزایش دهد.

**الف – اختلاف منافع بین کشورهای عضو ائتلاف:**

کشورهایی مانند عربستان و امارات ممکن است درباره اهداف و استراتژی‌های این ائتلاف توافق نداشته باشند.

ب – واکنش بازیگران منطقه‌ای: ترکیه، روسیه و ایران ممکن است به ایجاد چنین ائتلافی اعتراض کنند، زیرا آن را تهدیدی برای منافع خود می‌دانند.

**۴ – حمایت از افزایش قدرت کردها در شمال**

دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳
وطن‌امروز | شماره ۴۲۰۰

## بین‌الملل

**سوریه با هدف تقویت حضور کردها به عنوان یک نیروی منطقه‌ای دوست برای اسرائیل**

عمیحا شیکلی افزایش نفوذ کردها در شمال شرقی سوریه (منطقه دیرالزور) را یک تحول مثبت برای اسرائیل توصیف کرد.این گزینه شامل حمایت اسرائیل از ایجاد یک منطقه خودمختار کردها در سوریه است. اسرائیل از مدت‌ها پیش به حمایت از استقلال کردها در عراق و سوریه علاقمند بوده است، زیرا یک منطقه مستقل کردی می‌تواند مانعی برای مسیرهای لجستیکی ایران به لبنان و ایجاد یک شریک منطقه‌ای جدید برای اسرائیل باشد.

**ریسک‌ها و چالش‌ها:**

**الف – واکنش ترکیه:** ترکیه مخالف حضور کردها در شمال سوریه است و ممکن است به هر گونه همکاری اسرائیل با کردها واکنش نظامی نشان دهد.

ب – وابستگی به سیاست‌های آمریکا: حمایت از کردها بدون حمایت ایالات متحده ممکن است بی‌نتیجه باشد.

**۵ – تضعیف محور ایران و قطع نفوذ ایران در سوریه با هدف حذف حضور نظامی ایران در سوریه و قطع مسیر انتقال تسلیحات به حزب‌الله**

پس از سقوط اسد، محور ایران در سوریه به طور قابل توجهی تضعیف می‌شود، زیرا بخش بزرگی از شبکه‌های نظامی و لجستیکی ایران به حضور اسد وابسته بود. این گزینه به اسرائیل امکان می‌دهد حملات هوایی بیشتری به مواضع نظامی ایران در سوریه انجام دهد و مسیر انتقال تسلیحات به حزب‌الله را مسدود کند.

**ریسک‌ها و چالش‌ها:**

**الف – واکنش روسیه:** روسیه ممکن است به حضور نظامی شدیدتر اسرائیل در سوریه اعتراض کند.

ب – تلافی ایران: ایران ممکن است از طریق حزب‌الله به حملات اسرائیل پاسخ دهد.

■ نتیجه‌گیری

اسرائیل پس از سقوط اسد، چند گزینه راهبردی برای مدیریت اوضاع در سوریه دارد. این گزینه‌ها از اشغال مناطق مرزی گرفته تا ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و حمایت از کردها، هر کدام مزایا و معایب خاص خود را دارد.

به نظر می‌رسد بهترین راهبرد برای اسرائیل ترکیبی از این گزینه‌ها باشد، یعنی حفظ موقعیت نظامی در نقاط حساس، سکوت دیپلماتیک و حمایت از کردها برای محدود کردن نفوذ ایران. این رویکرد به اسرائیل اجازه می‌دهد از فرصت‌های راهبردی استفاده کند، نفوذ ایران را کاهش دهد و در عین حال از مواجهه مستقیم با روسیه و ترکیه اجتناب کند.



## تصویر مربوط به دوران قیمومت فرانسه بر سوریه در سال ۱۹۲۲

نزدیک وارد نبردی طاق‌ت فرسا با گروه‌های مسلح وابسته به ترکیه خواهد شد. چنین بستری موجب شده تا شماری از تحلیلگران نظامی اسرائیلی از ضرورت ایجاد منطقه‌ای حائل میان این رژیم در بلندی‌های جولان اشغالی و مناطق همجوار با سوریه در عمق ۳۰ کیلومتری سخن به میان آورند؛ سیاستی که به زعم آنها دست‌کم از میزان ترکش‌های حاصل از جنگ داخلی سوریه به سوی سرزمین‌های اشغالی خواهد کاست؛ سیاستی که با تخریب‌های بیشتر سوریه و تکه پاره شدن این کشور، بیش از پیش مطامع صهیونیست‌ها را تأمین خواهد کرد.

خواهند شد؛ نزاعی که سوریه را ایستن بحران‌های بی‌ در پی کرده و تبعات آن، سرزمین‌های اشغالی را نیز بی‌نصيب نخواهد گذارد. وجود هزاران شبه‌نظامی خارجی ازبک، تاتار، تاجیک، چچنی و… در صفوف مسلحان حاکم بر سوریه و ارتباطات تنگاتنگ آنان با القاعده و دیگر گروه‌های سلفی و بهره‌گیری احتمالی داعش از فضای نابلسامنی حاکم بر سوریه، آینده‌ای مبهم را پیش روی صهیونیست‌ها و دیگر همسایگان سوریه قرار داده است. نکته حائز اهمیت دیگر به حضور هزاران شبه‌نظامی وابسته به پ‌ک‌ک در شرق سوریه بازمی‌گردد؛ سازمانی که احتمالاً در آینده‌ای

رژیم صهیونیستی در پی احیای طرح دوران قیمومت فرانسه بر سوریه است

# بازگشت به یک نقشه تاریخی

حزب دموکرات و اتحادیه میهنی در طول دهه ۹۰ میلادی و استقلال از فراتدم سال ۲۰۱۶ اقلیم کردستان مبنی بر جدایی از دولت مرکزی به وضوح بیانگر سیاست کلان رژیم صهیونیستی در منطقه است.

از سازمان تروریستی و فراملیتی پ‌ک‌ک نیز به عنوان دیگر متحد صهیونیست‌ها در میان احزاب و جریان‌های کرد نام برده می‌شود. جریانی که ضمن مقابله مستقیم نظامی با ترکیه و ایران (تحت نام پژاک) در قالب اسامی یگان‌های مدافع خلق و نیروهای سوریه دموکراتیک دست برتر را در تحولات شمال و شمال شرقی سوریه به‌عهده‌دار است. سازمانی که صالح مسلم، رهبرش به ارتباط حسنه با مقامات سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی شهره‌است، دولت جبل‌الدروزی یکی دیگر از دولت‌های شش‌گانه فرانسوی‌ها بود که در استان سویدای امروزمین تشکیل شده بوده استانی که در آن دروزی‌ها در اکثریت قرار داشته و دارند. دروزی‌ها از قدیم در منطقه‌ای میان سوریه، اردن، لبنان و فلسطین اشغالی سکونت داشته‌اند. اختلافات عقیدتی و ایدئولوژیک دروزی‌ها با مسلمانان شیعه و سنی موجب شده چه در تحولات حاکم بر سرزمین‌های اشغالی و چه در لبنان، دروزی‌ها در جایگاه متحدان نوشته صهیونیست‌ها قرار داشته باشند. بخش عمده سکنه جولان اشغالی را نیز دروزی‌ها تشکیل می‌دهند. دروزی‌ها برخلاف اعراب دارای تابعیت اسرائیل (موسوم به سرزمین‌های ۴۸)، در ساختار امنیتی و نظامی اسرائیل موقعیت منحصره‌فردی را از آن خود کرده‌اند. رژیم صهیونیستی از بدو شکل‌گیری به منظور شکست اعراب سنی همچوار با سرزمین‌های اشغالی، سرمایه‌گذاری وسیعی در تقویت اقلیت‌های قومی –مذهبی بی‌ارموش صورت داده است. همکاری دروزی‌ها و مارونی‌ها با رژیم اسرائیل در سال‌های جنگ داخلی لبنان و تاسیس دولتی همسو با تل‌آویو در بیروت (معروف به دولت) تنها نمونه‌ای از سرمایه‌گذاری بلندمدت صهیونیست‌ها بر اقلیت‌های قومی –مذهبی منطقه به منظور شکست آرمان فلسطین به حساب می‌آید. اهمیت کردها و دروزی‌ها برای رژیم صهیونیستی در تحولات آتی سوریه با تادن حائز اهمیت است

## سناریوهای پیش‌روی سوریه

انتخابات آزاد زب نظر سازمان ملل متحد قرار خواهند گرفت. در صورت شکل‌گیری چنین دولتی هیچ‌یک از طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز نباید بی‌مسئله داشته باشند. این دولت به سبب تلاش برای جلب رضایت اجتماعی (که اتفاقا دلیل اصلی سقوط اسد نیز همین فقدان پایگاه اجتماعی بوده است)، نیازمند شتاب در تغییرات اقتصادی به نفع رفاه عمومی و افزایش کیفیت اجتماعی شهروندان سوری است. این دولت مجبور است هم در ترکیه کار کند، هم با عراق و هم با لبنان، هم با اردن و هم با اسرائیل.

**۲ – فرض دوم: انتقال خشونت‌آمیز قدرت و تصاحب قدرت به وسیله یکی از گروه‌های رادیکال**
فرضیه دوم که اتفاقا با شرایط فعلی داخلی و بین‌المللی سوریه هماهنگ‌تر است، این است که یکی

که صهیونیست‌ها صراحتا اعلام کرده‌اند اگر دروزی‌ها و کردهای

سوریه در خطر باشند به آنها کمک خواهند کرد. دولت علویین به عنوان دیگر دولت ششگانه دست‌نشانده فرانسوی‌ها نیز از دیرباز محل سکونت علویان در سوریه بوده است. علویانی که ستون فقرات دولت، ارتش و سازمان‌های امنیتی سوریه را در طول نیم قرن اخیر عهده‌دار بوده‌اند. اکنون و با تشدید تنش‌ها در منطقه و حضور و استقرار پایگاه‌های دریایی و زمینی مسکو در لاذقیه، مصیبات و طرطوس، برخی تحلیلگران از احتمال جدایی مسیر مناطق علوی‌نشین از دیگر مناطق سوریه در آینده سخن به میان آوردند. عدم حرکت شبه‌نظامیان تحریرالشام به سوی مناطق ساحلی و تمرکز صرف بر تصرف شهرهای مرکزی و پایتخت بر این گمانه که توافقی بنه‌هان میان طرفین دخیل در ماجرا صورت پذیرفته در میان برخی ناظران منطقه‌ای افزوده است. توافقی که بر مبنای آن کنترل مناطق علوی‌نشین به شکل دوقاکتو در اختیار علوی‌ها و روسیه قرار خواهد گرفت؛ خردادی که بی‌گمان منافع بلندمدت رژیم صهیونیستی را تأمین خواهد کرد.

بحران در سوریه اگر چه در ظاهر با مسرت و خرسندی صهیونیست‌ها همراه شده است، لیکن شماری از تحلیلگران اسرائیلی با نگرانی به آینده سوریه می‌نگرند. وجود گروه‌های متعدد نظامی و دست بالای تروریست‌های سلفی در میان آنان موجب شده تا چهره‌لیبی پس از قذافی و افغانستان پس از سقوط دولت مجاهدان در آنهان تحلیلگران متبادر شود.

حکومت اسد پدر و پسر اگر چه به اتخاذ مواضع پان‌عربیستی و ضدصهیونیستی در طول نیم‌قرن اخیر شهره بوده و از پذیرش موجودیت اسرائیل امتناع ورزیده‌اند، لیکن به دلیل پذیرش پروتکل‌های بین‌المللی و استقرار دولت و ارتش کلاسیک در سوریه، از بروز تنش‌های گاه و بیگاه با رژیم صهیونیستی برهیز کرده و در قامت دولتی پانسخگو در محافل بین‌المللی ظاهر شده بود. این در حالی است که شبه‌نظامیان تحریر‌الشام و متحدان‌شان نه‌تنها در چنین جرگه‌ای نخواهند گنجدید، بلکه از مسؤولیت‌پذیری امتناع کرده و خیلی‌زود وارد نزاعی درون گروهی

**۲ – فرضیه سوم: استیلای هیات تحریر‌الشام تحت حکومت اختناق در سوریه**
در بین فرضیات، فرضیه سومی نیز وجود دارد که بهمین وجود دارد که این سناریو نسبت به ۲ فرضیه اول به واقعیت نزدیک‌تر باشد و آن اینکه گروه هیات تحریر‌الشام، تحت حکومت خوانش القاعده (که جولانی با آن بزرگ شده است)، حکومتی مذهبی شبیه طالبان در سوریه شکل گرفته و فضای سیاسی بسته (شبیه به نظام ابد الله اینه این بار با رویه‌ای مذهبی) در این کشور به وجود آورد. قربانی چنین نظامی هم مردم سوریه و هم همسایگان سوریه خواهند بود. ایران باید به روزها و ماه‌های آینده چشم دوخته و البته نقش و بازیگری فعال منطقه‌ای را نیز فراموش نکند. اگر چه از دست رفتن سوریه، وضعیت بحرانی است.

**ادامه از صفحه اول**

**دیدگاه**

است؟

مستقل از اتفاقاتی که در این چند روز در سوریه افتاده است که همه طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در بهت برده است و مستقل از اینکه هیچ‌یک از طرف‌های موافق یا مخالف حکومت اسد، این وضعیت را در ذهن نداشته‌اند که به این سادگی نظام سیاسی اسد دچار فروپاشی شود، معماری کنونی در خاورمیانه این است که «چه چیزی در انتظار سوریه است؟». پاسخ به این سوال در شرایط کنونی بسادگی امکان‌پذیر نیست اما با توجه به برخی روندها، پیشران‌ها و محرک‌ها می‌توان آینده سوریه را مورد بررسی قرار داد.